



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2105

Lesson No: 2105

Tags: American Language Course, UNIT 2105, Glossary

Like	مانند	Patriotic holiday	تعطیلی وطنی، تعطیلی مربوط به مناسبات میهنی
New Year's Day	روز اول سال جدید	Independence (n.)	استقلال
Ring	زنگ زدن	Independence Day	روز استقلال، روز چهارم ماه ژولای که در واقع روز تولد ایالات متحده امریکا است.
Bell	زنگ، ناقوس	Celebrate	جشن گرفتن
Make noise	سر و صدا ایجاد کردن	Fireworks	آتش بازی، ترقه
Welcome	استقبال کردن، خوشامد گفتن	Political	سیاسی
President	رئیس جمهور	Speech	سخنرانی، نطق رسمی
In a special way	به شکل خاصی	Parade (n.)	رژه نظامی، سان
Public building	ساختمانهای عمومی، ادارت دولتی	Picnic	پیک نیک، خورگشت، گشت زدن در مناطق طبیعی خارج از شهر (مانند جنگل و رودخانه و کوهستان) و غذا خوردن
Observance	برگزاری	Labor	کار، نیروی کار
In observance of	به خاطر برگزاری	Labor Day	روز کارگر، اولین دوشنبه ماه سپتامبر که یکی از تعطیلات رسمی ایالات متحده امریکا است.
Easter	عید یکشنبه پاک مسیحیان، بزرگداشت رستاخیز عیسی که هر ساله توسط مسیحیان برگزار می شود و تاریخ آن بر مبنای ماه قمری یا شمسی یکی از یکشنبه های واقع در ماه مارس تا آوریل است.	Take part in	شرکت کردن در
Religious	مذهبی	Activity	فعالیت
Religious holiday	تعطیلی مذهبی	Discovery (n.)	کشف، اکتشاف
Get	خریدن	Discover (v.)	کشف کردن
People get new clothes at Easter.	در روز عید پاک، مردم لباسهای جدید می خرند.	Columbus	کریستف کلمب (کاشف آمریکا)
Basket	سبد	Veteran	کارکشته، کارآزموده، کهنه کار
Colored egg	تخم مرغ رنگی	Veterans' Day	روز بزرگداشت سربازان قدیمی جنگ در آمریکا که در یازدهم ماه نوامبر برگزار می شود.
Toy	اسباب بازی	Observe	برگزار کردن، جشن گرفتن
Rabbit	خرگوش	Armed (adj.)	مسلح
Chicken	جوجه مرغ	Service	خدمت
Memorial	یادبود، گرامیداشت	Armed services = Armed forces	نیروهای مسلح
Memorial Day	روز یادبود کشته شدگان جنگ که در آخرین دوشنبه ماه مه (May) در آمریکا برگزار می شود.	Thanksgiving Day	روز شکرگزاری که در چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر در آمریکا برگزار می شود.
Honor (n.)	افتخار، سربلندی	Harvest	درو، برداشت محصول کشاورزی
Honor (v.)	تجلیل کردن، افتخار کردن	Big dinner	شام مفصل
Battle	جنگ، میدان جنگ، نبرد	Turkey	بوقلمون
Patriot (n.)	وطن پرست، میهن دوست	Cranberry	کران بری، یک میوه کوچک و ترش شبیه زغال اخته
Patriotic (adj.)	میهنی، مربوط به وطن و میهن	Sauce	سس، چاشنی غذا



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2105

Lesson No: 2105 **Tags:** American Language Course, UNIT 2105, Glossary

Mince (v.)	خرد کردن، به تکه‌های ریز تقسیم کردن	British (adj.)	وابسته به بریتانیا
Mince (n.)	تکه خرد شده گوشت مانند قورمه	Rule (n.)	حکومت
Mince pie	یک نوع کلوچه که مغز آن از گوشت تشکیل شده است، پیراشکی گوشت	Independent (adj.)	مستقل، غیر وابسته
Pumpkin	کدو حلوایی، کدو تنبل	Independence (n.)	استقلال
Pumpkin pie	کلوچه کدو حلوایی، تارت کدو	Independence Day	روز استقلال آمریکا
Christmas Day	روز ۲۵ دسامبر مصادف با ولادت حضرت عیسی	Outdoors	خارج از منزل
Birth	تولد	City people	اهالی شهر، مردم شهر
Christ = Jesus Christ	حضرت عیسی مسیح	Engage	مشغول شدن، درگیر شدن
Christian	مسیحی	Horseshoe	نعل اسب
Sing	آواز خواندن	Pitch	انداختن، افکندن
Song	ترانه، آواز	Horseshoe pitching	مسابقه نعل اندازی، در این مسابقه افراد حلقه‌هایی شبیه نعل اسب را از فاصله ۱۲ متری داخل یک میله می‌اندازند.
Carol	سرود و آواز (مخصوصاً سرودهای مربوط به کریسمس)	Country people	اهالی دهات، اهالی روستاها
Wish	آرزو کردن	March	رژه رفتن، قدم رو کردن
Merry (adj.)	شاد، خوش، خوشحال	Band	دسته نوازندگان موسیقی، باند
Merry Christmas	کریسمس مبارک	Play	نواختن یا پخش کردن موسیقی
Decorate	تزیین کردن، دکور کردن	Fireplace	منقل، شومینه
Evergreen	همیشه سبز	Slide	برش زدن، بریدن (کیک، میوه و...)
Ornament	زینت، آذین، زیور	Sliced tomatoes	گوجه حلقه حلقه شده
Present (n.)	هدیه، کادو	Sound like	به نظر رسیدن
Get together	دور هم جمع شدن	Along	در امتداد، در سرتاسر
Look forward to	چشم انتظار بودن، مشتاقانه منتظر ماندن	There are places for picnics along the road.	جاهایی برای پیک نیک کردن در امتداد جاده وجود دارد.
Principal	اصلی، مهم، عمده	Bench	نیمکت
Legal holiday	تعطیل رسمی	DC-9	یک مدل هواپیمای کوچک
Continent	قاره، اقلیم	Altitude	ارتفاع (پرواز)
Continental Congress	کنگره اقلیمی آمریکا که اولین بار در سالهای ۱۷۷۴ و ۱۷۷۵ تشکیل شد و اعلامیه استقلال آمریکا را در سال ۱۷۷۶ منتشر کرد.	Latitude	عرض جغرافیایی (بر روی نقشه زمین)
Issue	صادر کردن، منتشر کردن	Doer	فاعل، انجام دهنده
Declare	اعلام کردن، بیان کردن، اظهار نمودن، آشکار نمودن	Agent	عامل [انجام کار]، فاعل
Colony	مستعمره، کوچ نشین، مردمان مقیم، منظور اهالی ۱۳ ایالت اولیه آمریکاست که در ابتدا مستعمره انگلستان بودند و سپس اعلام آزادی کردند.	Washington	آقای جورج واشینگتن اولین رئیس جمهور آمریکا
		Easter Sunday	یکشنبه عید پاک
		Consist of	شامل شدن، در بر داشتن
		Cleaners	مغازه خشک شویی، اتوشویی



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 2100 – Student Glossary – UNIT 2105

Lesson No: 2105

Tags: American Language Course, UNIT 2105, Glossary

Press	اتو کردن	Terminology	اصطلاحات، واژگان فنی هر رشته علمی،
On special	سرویس ویژه و فوری در خشکشویی		زبان تخصصی، واژه شناسی
Do you want to put that on special?	آیا می‌خواهید لباستان را در دسته سرویس ویژه و فوری قرار دهید؟	Ignition	سیستم احتراق در موتور، جرقه شمع که باعث روشن شدن موتور خودرو می‌شود.
Make out	نوشتن یا صادر کردن قبض یا رسید	Corporal	سرجوخه، پایین‌ترین درجه نظامی در آمریکا و انگلیس
Ticket	قبض دریافت کالا در خشکشویی و...	Inspect	بازرسی کردن، ممیزی کردن
So much	خیلی زیاد	Shock	برق گرفتن، تکان شدید دادن، شوکه شدن
It's not so much the heat. It's the humidity.	زیاد مربوط به گرمای هوا نیست [که آزار دهنده است]. [آن رطوبت [هوا] است] که وضع را بدتر می‌کند.	Live	برق دار، دارای جریان برق
Meantime = meanwhile	در این مدت، در این اثناء	Live wire	سیم برق دار
In the meantime	در این مدت، در این اثناء	Brief	توجیه کردن
Air-conditioned	کولر دار، مجهز به سیستم تهویه مطبوع	Supervisor	سرپرست، ناظر
Sweater	ژاکت، پولیور پشمی	Contact	تماس گرفتن
To be supposed to	قرار بودن	Operator	اپراتور
It's supposed to snow tomorrow.	فردا قراره برف بیاد.	Concern about	نگران بودن درباره‌ی
Mind	بد آمدن، دوست نداشتن	Grade	نمره (درسی)
I don't mind anything except ice.	من از هیچ چیزی به جز یخ بدم نمیاد.	He is concerned about his low grades.	او نگران نمرات پایینش است.
Slip	سُر خوردن، لغزیدن	Senior	ارشد، قدیمی، کهنه کار
Almost	تقریباً، نزدیک بود که	Respect	احترام گذاشتن
I almost broke my neck.	نزدیک بود گردنم بشکند.	Pushtu	زبان فارسی پشتو که در افغانستان صحبت می‌شود.
Transport	حمل کردن، منتقل کردن	Minister	وزیر
Combat	جنگ، نبرد	Missile	موشک
Troops	سربازان		
Electrician	برقکار، متخصص برق کشی		
Wire	سیم کشی کردن		
Treat	درمان کردن، معالجه کردن		
Brake	ترمز		
Basic	پایه‌ای، اصلی		
Principle	اصل		
Fundamental	پایه‌ای، بنیادی، اساسی		
Technical	فنی، تکنیکی		
Term	واژه		